

## جایگاه عقد مرابحه در نظام بانکی کشور

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۲/۲۰)

عزت اله گنج خانلو

### چکیده

تا سال ۱۳۸۹ تنها نوع خاصی از قرارداد مرابحه در قالب فروش اقساطی در قانون عملیات بانکی بدون ربا ایران وجود داشت. در این سال و با تصویب قانون برنامه پنجم توسعه، قراردادهای مرابحه، خرید دین و استصناع به فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه شد. پیرو آن هیأت وزیران با پیشنهاد بانک مرکزی و به استناد ماده ۹۸ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹، آیین نامه قرارداد مرابحه را به شکل ذیل ابلاغ کرد مرابحه قراردادی است که به موجب آن عرضه کننده، بهای تمام شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می‌رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود، آن را به صورت نقدی، نسیه دفعی یا اقساطی، به اقساط مساوی و یا غیر مساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می‌کند صنعت بانکداری برای پاسخ به نیازهای جامعه، هر روز گامی به پیش می‌گذارد و ابزارهای نوی ارائه می‌کند. در همین راستا درصدد نگارش این موضوع برآمدم و قصد دارم عقد مرابحه را در نظام بانکی کشور بر اساس بانکداری بدون ربا و بانکداری اسلامی مورد مطالعه عمقی و دقیق قرار دهیم.

۸۵

فصلنامه مطالعات فقهی بانکی - دوره دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۸

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، عقد مرابحه، کارت های اعتباری، نظام بانکی



## بخش اول: شیوه عملکرد بانک ربوی و غیر ربوی

در بانک ربوی از عقد قرض ربوی استفاده می شود. متقاضیان وجوه، با مراجعه به بانک، تقاضای خود را برای وام ارائه می کنند. بانک، پس از اطمینان از، برگشت پول و اخذ ضمانت کافی، پول مورد نیاز فرد را در اختیار او قرار داده و او باید در سر موعد، ماهانه یا سالیانه مجموع وام و بهره ی آن را به تدریج بپردازد. در ساده ترین شکل آن، بانک هیچ گونه نظارتی بر کیفیت مصرف وام ندارد. البته در بانک های ربوی، به خصوص بانک های تخصصی، موارد متعددی است که وام برای کار خاصی پرداخت می شود و بانک در مصرف آن مقررات گوناگونی اعمال می کند.<sup>۱</sup> شخص برخوردار از وجوه نقدی می تواند آن را در هر کاری به کار اندازد. ممکن است در بازار حقیقی وارد شود، و برای مصارف شخصی کالا بخرد و یا آنکه در بازار حقیقی برای فروش، کالایی تهیه کند و یا آنکه برای کارگاه تولیدی خود کالای واسطه یا مواد اولیه تهیه کند. ممکن است پول را برای ادای دین خود مصرف سازد و یا آنکه پول را برای ورود به بازارهای مالی و خرید سهام و یا اوراق بهادار نگه دارد. در این شیوه، وام گیرنده آزادی کاملی در نحوه ی مصرف وجوه نقدی دارد و از کالاهای مصرفی برای خود تا استفاده در بازارهای مالی را می تواند انتخاب کند. پول در اختیار او ممکن است در بازار کالا و کار مصرف شود و کالا و خدمت خریداری کند. یا در بازار سرمایه به سهام تبدیل شود و یا به صورت تقاضای پول در دست سفته باز بماند. متقاضی بر اساس اینکه کدام یک از موارد فوق سود بیشتری دارد، دست به تصمیم می زند.<sup>۲</sup> بانک تجاری نیز تلاش می کند از سرمایه های خود برای کسب سود بیشتر بهره گیرد. بانک، علاوه بر وام دهی به اشخاص و موسسات، می تواند وارد بازار سهام شده و بخشی از دارایی های خود را به صورت سهام نگه دارد و یا آنکه در شرایطی در بازار اوراق بهادار اقدام به خرید اوراق بهادار یا فروش آن کند. معمولاً بانک ها در بازار کالا برای خرید کالا وارد نمی شوند

<sup>۱</sup> بررسی مشکلات بانکداری بدون ربا، فصلنامه حوزه و دانشگاه، گروه اقتصاد (مؤلف)، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۴، ص ۵۵

<sup>۲</sup> بانکداری اسلامی، سیدعباس موسویان، چاپ پنجم، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، ص ۴۶

؛ بلکه در بازار های سرمایه و پول وارد می شوند؛ زیرا ورود و خروج از آن هزینه ی زیادی ندارد، در حالی که تبدیل کالا در بخش حقیقی مشکلات عدیده ای دارد. خرید و فروش اوراق قرضه نیز به نوعی استفاده از همان روش وم دهی و قرض ربوی است. از جمله کارهای بانک های ربوی تنزیل اوراق بهادار است. افرادی دارای اوراق بهادار مدت دار که نیازمند وجوه نقدی هستند با مراجعه به بانک ارزش اوراق را با توجه به مدت و نرخ بهره ی بازار تنزیل می کنند. در واقع بانک طلب دارنده اوراق از بدهکار را با کم کردن بخشی از مبلغ آن خریداری می کند و بر اساس نیاز متقاضی به وجوه بر طرف می گردد و بانک از سود مناسب برخوردار می گردد. سفته از جمله این اوراق است. بانک ربوی گاه به مشتریان خوش حساب خود اعتبار در حساب جاری آنها ایجاد می کند. یعنی اجازه می دهد از اعتبار حساب جاری تا حد خاصی استفاده کنند و با محاسبه بهره، آن را به بانک برگردانند. از مجموع آنچه گذشت معلوم شد بانک های ربوی در ارائه خدمات به متقاضیان وام، وام کوتاه مدت و بلند مدت با بهره می پردازند. اوراق بهادار را تنزیل می کنند، حساب جاری آنها را دارای اعتبار می کنند و اوراق بهادار را خریداری می کنند، همه ی این اعمال با بازار پول ارتباط دارد. گاه در شرایطی که متقاضیان وام نداشته باشند، برای جلب سود در بازار سرمایه هم وارد می شوند و بخشی از نقدینگی خود را به صورت سهام عادی یا ممتاز در می آورند و یا آنکه در پروژه های سرمایه گذاری مشارکت می کنند. ولی به دلیل ریسک موجود در بازار سهام و سرمایه گذاری، بانک ها ترجیح می دهند معمولاً با پرداخت وام با نرخ بهره، سود آوری خود را تضمین کنند. در بخش جذب منابع مالی هم بانک ربوی با افتتاح حساب سپرده ی پس انداز و جاری و مدت دار، نقدینگی مردم را جمع آوری کرده و به سپرده دیداری و مدت دار بهره ی کمتر از مقدار بهره ی وام می پردازند.<sup>۱</sup> تمایز اصلی بانکداری غیر ربوی با ربوی در حضور کامل یا حداکثری آن در بخش حقیقی اقتصاد است. قابل توجه است که شیوه های مختلفی برای بانکداری غیر بومی مطرح و عملی شده است که برخی از مهم ترین



آنان را متذکر می شویم. اولین نوشته های پیرامون بانکداری بدون ربا بر استفاده از عقد مضاربه تاکید دارد. بیش از پنجاه سال از نوشته های پیرامون آن می گذرد.<sup>۱</sup> مضاربه نزد پاره ای از اهل سنت اختصاص به تجارت ندارد و قابلیت دارد که در همه موارد مشارکت کار و سرمایه از آن استفاده شود. بانک سرمایه ی افراد متقاضی را به وکالت از طرف سپرده گذاران یا مستقلاً تامین کرده، آنها را در کار تجاری، صنعتی و کشاورزی به کار انداخته، سهمی از سود را به بانک خواهند داد.<sup>۲</sup>

## بخش دوم: بررسی ماهیت و جایگاه قرارداد مرابحه در متون روایی و فقه امامیه

قرارداد مرابحه یکی از پرکاربردترین قراردادها در متون روایی است و شاید بتوان گفت در مورد هیچ قرارداد مالی این قرارداد مالی این مقدار روایت نقل نشده است. در روایات متعدد ابعاد مختلف این قرارداد بحث شده که به عنوان نمونه از هر گروه چند مورد را نقل می کنیم:

روایات ناظر بر اصل مشروعیت مرابحه: ۱. محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن عبدالله بن سنان، عن أبي عبدالله (ع) قال: «لا يأس تبيع الرجل المتاع ليس عندك تساومه ثم تشتري له نحو الذي طلب ثم توجه على نفسك ثم تبعه منه بعد» امام صادق (ع) می فرماید: اشکالی ندارد کالایی را که هنوز مالک نشده ای بفروشی، به این صورت که ابتدا صحبت هایتان را می کنی (قرار می گذاری)، سپس کالا را به نحوی که مشتری مطالبه می کند برای خودت خریداری می کنی، سپس به مشتری می فروشی. عبدالحمید بن سعد می گوید به امام کاظمی (ع) گفتیم: ما در معاملاتمان چنین می کنیم، چه بسا کسی سراغ ما می آید و قصد خرید کالایی دارد که ما نداریم، پس با او گفت و گو می کنیم، و پیش از اینکه کالا

<sup>۱</sup> بانکداری اسلامی، سیدعباس موسویان، چاپ پنجم، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، ص ۵۱

<sup>۲</sup> بررسی مشکلات بانکداری بدون ربا، فصلنامه حوزه و دانشگاه، گروه اقتصاد (مؤلف)، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۴، ص ۶۶

۱. الحر العاملی، ج ۶، باب ۸، احکام العقود، ح ۱، فروع الکافی ج ۵، ص ۲۰۱، باب الرجل یبیع مالیس عنده، ح ۷، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۹، باب (البيع بالنقد والنسيئة)، ح ۱۲.

را خریداری کنیم، بر سر قیمت با او به توافق می‌رسیم، سپس کالا را خریداری کرده و با همان قیمتی که به توافق کرده بودیم، به او می‌فروشیم؛ نه چیزی زیاد می‌کنیم و نه چیزی کم می‌کنیم. امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد. یحیی بن حجاج می‌گوید: از امام صادق (ع) در مورد مردی که به من می‌گوید این لباس یا این حیوان را برای من خریداری کن و به من بفروش به تو این قدر سود می‌دهم، پرسیدم امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد، آن‌ها را خریداری کن و پیش از این که بیع را برای خودت ایجاب نکرده‌ای یا کالا را خریداری نکرده‌ای برای او ایجاب نکن. عن عبدالرحمن بن الحجاج قال سألت الصادق (ع) عن العینه فقلت: « یا تینی الرجل فبقول اشتر المتاع و أربحک فیه کذا و کذا فأروضه علی الشی من الربح فتراضی به ثم أنطلق فأشتری المتاع من أجله لولا مکانه لم أرده، ثم اتیه به فأبیعه فقال ما أری بهذا بأساً لو هلك منه المتاع قبل أن تبعه إیاه کان من مالک و هذا علیک بالخیار إن شاء اشتراه منك بعد ما تأتیه و إن شاء رده فقلت أری به یاساً! عبدالرحمان بن حجاج می‌گوید از امام صادق (ع) در مورد معامله عینه پرسیدم، گفتم مردی سراغ من آمده می‌گوید: کالای خاصی را برای من خریداری کن، فلان قدر به تو سود می‌دهم، پس با هم مذاکره می‌کنیم و روی سود مشخصی به توافق می‌رسیم، سپس می‌روم و کالا را برای خاطر او خریداری می‌کنم، به طوری که اگر درخواست او نبود خریداری نمی‌کردم، سپس می‌آورم و به او می‌فروشم؟ امام (ع) فرمود اشکالی در این معامله نمی‌بینم، مگر نه این که اگر کالا پیش از بیع تلف می‌شد از مال تو تلف شده بود؟ و مگر نه این است که اگر می‌خواست کالا را از تو خریداری می‌کرد و اگر می‌خواست خریداری نمی‌کرد، اشکالی در این معامله نمی‌بینم. توضیح این که قرارداد بیع مباحه به دو صورت رایج است: نخست مباحه عادی، در این حالت تاجر کالایی را خریداری کرده، منتظر مشتری می‌ماند، هر زمان که مشتری آمد با در نظر گرفتن سود مشخصی به وی می‌فروشد. حالت دوم مباحه سفارشی است، در این حالت، مشتری سراغ تاجر رفته سفارش خرید کالایی را به او می‌دهد، تاجر پس از سفارش مشتری کالا را خریده با در نظر گرفتن سود مشخصی به وی



می‌فروشد. در معاملات بانکی بیش‌تر نوع دوم رواج دارد، روایات پیش گفته به صراحت درستی چنین معاملاتی را اثبات می‌کنند. روایات ناظر بر مشروعیت مرابحه نقد و نسیه: عن محمد بن مسلم قال: «سألت الباقر (ع) عن رجل أتاه رجل فقال: ابتع لي متاعا لعلی أشتريه منك بنقد أو نسيه، فابتاعه الرجل من أجله، قال: ليس به بأس إنما يشتريه منه بعد ما يملكه<sup>۱</sup>.» محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر (ع) پرسیدم: در مورد مردی که نزد مرد دیگر آمده می‌گوید کالایی برای من خریداری کن، شاید بصورت نقد یا نسیه از تو خریداری کنم، پس وی کالا را بخاطر او خریداری می‌کند؟ امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد، همانا از او خریداری می‌کند، پس از آن - که مالک شد. ابن سنان از امام صادق (ع) نقل می‌کند که از ایشان سوال شد: مردی سراغ من می‌آید و قصد معامله طعام یا قصد انجام بیع نسیه دارد و آن کالا را من ندارم، آیا جایز است که من آن کالا را برای او بفروشم، به این صورت که قیمت را با او تمام کنم، سپس از جایی دیگر خریداری کنم، بعد به او بفروشم؟ امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد. قرارداد بیع مرابحه از جهت دیگر به دو نوع تقسیم می‌شود؛ نخست مرابحه نقدی، در این حالت فروشنده با در نظر گرفتن سود مشخصی کالا را به صورت نقد به مشتری می‌فروشد و قیمت آن را تحویل می‌گیرد. حالت دوم مرابحه نسیه است، در این حالت فروشنده با در نظر گرفتن سود مشخصی کالا را به صورت نسیه به مشتری می‌فروشد و قیمت آن را به صورت دفعی یا تدریجی در آینده تحویل می‌گیرد. در معاملات بانکی بیشتر نوع نسیه مرابحه رواج دارد و روایات پیش گفته به صراحت، درستی چنین معاملاتی را بیان می‌کنند. روایات ناظر بر مشروعیت مرابحه و کالتی: ۱. عن منصور بن حازم قال: «قلت للصادق (ع): الرجل يريد أن يتعين من الرجل عينه فيقول له الرجل أنا أبصر بحاجتي منك فأعطني حتى أشتري فأخذ الدرهم فيشتري حاجته، ثم يجي بها إلى الرجل الذي له المال فيدفعه إليه فقال: أليس إن شاء اشترى و إن شاء ترك و إن شاء الباع باعه و إن شاء لم يبع؟ قلت: نعم، قال: لا بأس. منصور بن حازم می‌گوید، به امام صادق (ع) گفتم: گاهی فردی از فرد دیگر قصد معامله عینه دارد، به این صورت که سراغ وی می‌آید و

<sup>۱</sup> . الحر العاملي، ج ۶، باب ۸، احكام العقود، ح ۸

می‌گوید: من به نیاز خودم آگاه‌تر از تو هستم، پولی در اختیار من بگذار تا مایحتاج خود را خریداری کنم، پس درهم‌ها را می‌گیرد و مایحتاج خود را خریداری می‌کند، سپس آن‌ها را پیش صاحب پول می‌آورد، پس او کالا را به وی می‌فروشد؟ امام (ع) فرمود: آیا این دو اختیار دارند؟ اگر بخواهد خریداری کند و اگر بخواهد ترک کند و فروشنده هم اگر بخواهد بفروشد و اگر بخواهد ترک کند؟ گفتم: بله، چنین اختیاری دارند، امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد. قرارداد بیع مرابحه از جهت شیوه محاسبه سود نیز به دو حالت تقسیم می‌شود؛ نخست مرابحه با سود مبلغی، در این حالت فروشنده کالای خریداری شده با در نظر گرفتن مبلغ سود مشخصی به مشتری می‌فروشد. حالت دوم مرابحه با سود درصدی است، در این حالت فروشنده کالای خریداری شده را با در نظر گرفتن درصد سود مشخصی به مشتری می‌فروشد. در معاملات بانکی نوع دوم رواج دارد و روایات پیش گفته، افزون بر مرابحه‌های با سودمبلغی، درستی مرابحه‌های با سود درصدی را نیز بیان می‌کنند.

### بخش سوم: جایگاه فقهی بیع مرابحه و نقش آن در بانکداری اسلامی

بیع مرابحه در خلال مباحث فقه شیعه از پیشینه بسیار طولانی برخوردار است و فقهای بزرگوار شیعه در ضمن مباحث بیع یا ملحقات آن به این بحث پرداخته‌اند و مراجعه به کتب قدمای فقهای شیعه و بررسی آرای آنان گویای این حقیقت است که بدون آن که گسستی بین آدوار فقه امامیه واقع شود، بیع مرابحه در تمامی این دوران مورد توجه فقها بوده و از آن غافل نشده‌اند؛ به گونه‌ای که در دوران شکل‌گیری اجتهاد در فقه شیعه، شیخ کلینی<sup>۱</sup> (۲۶۰-۳۲۹ ه) و شیخ صدوق<sup>۲</sup> (۳۰۶-۳۸۱ ه) و شیخ مفید<sup>۳</sup> (۳۳۶-۴۱۳ ه) و ابوالصلاح حلبی<sup>۴</sup> (۳۷۴-۴۴۷ ه) و در نهایت، شیخ طوسی<sup>۵</sup> (۳۸۵-۴۱۰ ه) در این بحث، کوتاه نیامده و هر یک به سبک خاص خود

۱. الکلینی، ج ۵، ص ۱۹۸، باب بیع المرابحه، ح ۶.

۲. بن بابویه (شیخ صدوق) «الف» ۳۸۰/۴.

۳. لعکبری (شیخ مفید)، ص ۶۰۷.

۴. الحلبي «الف»، ص ۳۶۰.

۵. الطوسی «ج» ۸۹/۱۳.



در قالب روایت یا فتوا متعرض حکم این نوع معامله شده‌اند و پس از این بزرگان نیز تا به امروز بحث ادامه پیدا کرده است. با توجه به فراوانی روایات وارده در موضوع بیع مرابحه فقها در طول تاریخ حکم به جواز و درستی بیع مرابحه داده‌اند<sup>۱</sup>، البته همانند قراردادهای دیگر برای آن شرایطی تعیین کرده‌اند که این احکام همه برگرفته از مضمون روایات باب است و برخی نیز از قواعد عمومی یا ضوابط اختصاصی قرارداد بیع نشأت می‌گیرند. در ادامه به برخی از ضوابط مهم مرابحه می‌پردازیم.

۱. مطابق روایات، در قرارداد مرابحه، بایستی کالایی خریداری، سپس به مشتری فروخته شود، یعنی در اقتصاد واقعی باید پدیده‌ای رخ دهد.
۲. مطابق روایات بایستی قرارداد مرابحه پس از خرید فروشنده و تملک او انجام گیرد و پیش از آن هر نوع تعهدی بر خرید هم بوده باشد، هنوز بیع مرابحه واقع نشده است.
۳. مطابق روایات بیع مرابحه می‌تواند به صورت نقدی یا به صورت نسیه باشد.
۴. مطابق روایات بیع مرابحه می‌تواند به صورت مستقیم و اصالتی یا به صورت غیر مستقیم و وکالتی باشد.
۵. مطابق روایات سود قرارداد مرابحه می‌تواند به صورت مبلغ یا درصد تعیین شود.
۶. در بیع مرابحه چنانچه فروشنده در بیان قیمت خرید یا هزینه‌های مربوطه دروغ بگوید، مشتری اختیار فسخ پیدا می‌کند.<sup>۲</sup> برتال جامع علوم انسانی
۷. مشتری اختیار فسخ پیدا می‌کند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>. نجفی، (۱۹۸۱)، ۳۰۳، ۲۳.

<sup>۲</sup>. نجفی، همان: ۳۱۷، ۲۳.

<sup>۳</sup>. نجفی، همان: ۳۱۷، ۲۳.



## بند اول: قلمرو قرارداد مباحه

شمول قرارداد مباحه نسبت به انتقال اعیان مسلم است، اما شمول آن نسبت به فروش منافع و خدمات که میان عرف به صورت بیع مطرح است از دیدگاه فقهای شیعه محل اختلاف است. برخی از فقها مانند شیخ انصاری، صاحب جواهر و آیت الله خوبی صدق بیع بر جنین معامله-هایی را انکار و تکلم عرف را بر تسامح حمل می کنند و معتقدند مقصود عرف انتقال منافع در قالب اجاره یا جعاله بوده یا نوعی مصالحه است.<sup>۱</sup> برخی از فقهای دیگر چون تمام خمینی و آیت الله مکارم شیرازی اشتراط عین بودن بیع را لازم ندانسته، بر این باورند که می توان منافع و خدمات را نیز در قالب قرارداد بیع منعقد کرد.<sup>۲</sup> این گروه از فقها افزون بر صدق عرفی بیع بر فروش خدمات و منافع به روایت هایی نیز استدلال می کنند؛ مانند روایت اسحاق بن عمار که نقل می کند: «از امام (ع) درباره فردی که خانه ای را در اختیار دارد و می فروشد در حالی که خانه مال وی نیست، پرسیدم. امام فرمود: نمی پسندم خانه ای را که مال وی نیست، بفروشد. گفتم: سکونت در خانه و موقعیتش در آن خانه را می فروشد و می گوید: سکونت خانه را به تو می فروشم. خانه آن گونه که دست من بود، دست تو باشد. امام فرمود: بلی به این صورت می تواند بفروشد».<sup>۳</sup> البته هیچ یک از دو گروه از فقها، به بطلان معامله فتوا نمی دهند، بلکه گروهی معتقدند معامله خدمات و منافع همان گونه که مردم تلفظ کرده و واژه خرید و فروش را به کار می برند، خرید و فروش است و از این باب درست است و گروهی دیگر معتقدند، گرچه مردم واژه خرید و فروش را به کار می برند، اما قصدشان به تناسب مورد مفاد قرارداد اجاره یا جعاله و یا صلح است. برای حل مشکل و رسیدن به وفاق فقهی می توان از عقد صلح نیز استفاده کرد، به این معنا که مراکز خدماتی براساس عقد صلح خدمات خود را به صورت نقد به بانک واگذارند؛ سپس بانک آن خدمات را براساس عقد صلح مباحه ای و با قیمتی بالاتر به خریدار تملیک کند و وی از آن خدمات استفاده کند. به اعتقاد فقهای بزرگوار شیعه، قرارداد صلح

۱. مکارم شیرازی. (۱۴۱۳). ۲۱، ۱.

۲. همان؛ موسوی خمینی. (۱۴۱۵). ۱۵، ۱.

۳. حر عاملی. (۱۴۱۳). ۳۳۵، ۱۷.



قراردادی لازم است و موضوع آن شامل اعیان، منافع و حقوق است و همه خدماتی را که ارزش مالی دارند، شامل می‌شود.

### **بند دوم: شیوه‌های اجرایی قرارداد مرابحه بانکی در بانکداری اسلامی**

برای این که از یک سو قرارداد مرابحه درست اجرا شود و از سوی دیگر بانک با مخاطرات و ریسک‌های پیش گفته مواجه نشود، می‌توان از شیوه‌های زیر استفاده کرد:

انعقاد قرارداد مرابحه سه جانبه: در مواردی که موضوع قرارداد مرابحه کالای با قیمت زیاد است، مانند خرید و فروش زمین، ساختمان، تأسیسات، خط تولید، کشتی، هواپیما، پس از انجام تشریفات تعیین کالا و شناسایی فروشنده اصلی و توافق روی قیمت و نرخ سود، از فروشنده اصلی و مشتری بانک دعوت می‌شود در موعد مشخصی در بانک حاضر شوند و قرارداد خرید بانک و فروش مرابحه در یک مجلس و بدون فاصله منعقد می‌شود. یعنی بانک از یک سوی کالای موردنظر را خریداری کرده و از سوی دیگر آن را می‌فروشد. وکالت برای خرید با حق فسخ برای بانک: در مواردی که موضوع قرارداد مرابحه کالای با قیمت کم است، مانند لوازم خانگی، مصالح ساختمانی یا خدمات مصرفی، پس از انجام تشریفات تعیین کالا و شناسایی فروشنده اصلی و توافق روی قیمت و نرخ سود، بانک به مشتری وکالت می‌دهد تا وی کالا را برای بانک خریداری کند و در ضمن قرارداد حق فسخ برای بانک قرار دهد، سپس سراغ بانک بیاید تا بانک کالا را به مشتری بفروشد. بانک با فروش کالا به مشتری، از طریق همان مشتری قیمت خرید را طی چک به فروشنده اولیه می‌رساند و مشتری با پرداخت چک کالایی را که حالا مال خودش شده از فروشنده تحویل می‌گیرد.

### **بند سوم: مبانی فقهی و حقوقی کارت اعتباری بر اساس قرارداد مرابحه**

در سامان‌دهی معامله‌های کارت اعتباری بر اساس قرارداد مرابحه، از ترکیب چند قرارداد استفاده می‌شود و در درستی شرعی معامله با کارت اعتباری به درستی همه آن‌ها منوط است.

پس از تعیین سقف اعتبار و صدور کارت به وسیله بانک، چندین معامله انجام می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. وکالت در خرید: به سبب قرارداد بین بانک ناشر کارت و متقاضی کارت اعتباری، دارنده کارت، وکیل بانک برای خرید کالاها و خدمات مورد نیاز خود می‌شود،

۲. خرید وکالتی: دارنده کارت در جایگاه وکیل بانک، کالاها و خدمات مورد نیاز خود را به صورت بیع نقد از فروشگاه‌ها و مراکز خدمات پذیرنده کارت برای بانک خریداری می‌کند،

۳. فروش مرابحه‌ای نسیه: بانک ناشر با پرداخت قیمت، کالاها و خدمات خریداری شده را تملک کرده، سپس در جایگاه فروشگاه الکترونیکی اعتباری آن‌ها را با در نظر گرفتن سود بانکی به صورت بیع مرابحه نسیه به دارنده کارت می‌فروشد،

۴. تخفیف در بدهی: اگر دارنده کارت بخواهد بدهی حاصل از خرید نسیه را به صورت دفعی در فرصت تنفس، یا به صورت تدریجی تا سررسید پردازد، بانک نسبت به مبلغ بدهی تخفیف می‌دهد (کل یا بخشی از سود نسیه را کم می‌کند)،

۵. جریمه تأخیر: چنانچه دارنده کارت بدهی خود را تا سررسید پرداخت نکند، متناسب با مبلغ و مدت بدهی مشمول جریمه تأخیر و وجه التزام خواهد شد.

در تحقق رابطه‌های فقهی و حقوقی پیش گفته مواردی محل تأمل فقهی و حقوقی است و نیاز به بررسی دارد. در قصد خرید وکالتی به سبب قرارداد صدور کارت اعتباری، دارنده کارت، وکیل بانک در خرید کالاها و خدمات می‌شود. بنابراین، برای درستی خریدها باید قصد خرید وکالتی کند، در حالی که در مورد های فراوانی دارنده کارت غافل از خرید وکالتی است و به نیت خودش خرید می‌کند، همان‌طور که در مورد های دارنده کارت، کارت را به دیگران (مانند همسر و فرزند) وا می‌گذارد و آنان اطلاعی از قرارداد وکالت ندارند. در حل این مشکل می‌توان گفت: اولاً، در تحقق قصد خرید وکالتی توجه ارتکازی کفایت می‌کند، به این معنا که اگر توجه کند بفهمد که چه کاری انجام می‌دهد و در خرید با کارت اعتباری



چنین ارتكازی وجود دارد، چون دارنده کارت می‌داند خودش پولی ندارد و با پول بانک خریداری می‌کند. در مواردی هم که کارت را در اختیار دیگری می‌گذارد، دیگران وسیله و ابزاری وی برای خرید و کالته هستند یا با واگذاری، دیگران را وکیل و جانشین خود در انجام معامله و کالته می‌کند. ثانیاً، بر فرض که به دلیل نبود قصد و کالت در خرید، خرید و کالته باطل باشد، معامله تبدیل به بیع فضولی نقدی و نسیه‌ای خواهد شد که پیشاپیش طرفین قرارداد رضایت خودشان را اعلام کرده‌اند. به این بیان که هم بانک ناشر کارت هنگام انعقاد قرارداد با فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی پذیرنده کارت رضایت خود را مبنی بر خرید به وسیله دارنده کارت اعلام کرده و دارنده کارت هم رضایت خود مبنی بر خرید نسیه از بانک اعلام کرده است. بنابراین، اگر معامله با این نوع کارت‌ها به اصطلاح فقهی از نوع بیع وکیل یا مأذون نباشد، از نوع بیع فضولی همراه با رضایت مالک خواهد بود که به اعتقاد همه فقها صحیح است. تخفیف در بدهی: مطابق طرح، دارنده کارت کالا را به صورت نقد برای بانک خریداری می‌کند، سپس بانک در جایگاه فروشگاه الکترونیکی اعتباری با افزودن مبلغی به قیمت بالاتر به صورت نسیه به دارنده کارت می‌فروشد و وی متعهد می‌شود در سررسید مقرر، قیمت نسیه کالا را به بانک بپردازد. حال اگر دارنده کارت بخواهد بدهی خود را به صورت دفعی در فرصت تنفس یا به صورت تدریجی تا سررسید بپردازد، بانک نسبت به مبلغ بدهی تخفیف می‌دهد (کل یا بخشی از سود بانکی را کم می‌کند). آیا چنین تخفیفی از دید فقه اسلامی جایز است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت، در معامله‌های مدت دار مانند بیع نسیه، سلف، اجاره، قرض و غیره که مدیون متعهد است بدهی خود را طبق زمان‌بندی معین بپردازد، گاهی مدیون علاقه دارد در برابر کم کردن بخشی از بدهی، دین خود را زودتر از موعد مقرر بپردازد؛ چنان که گاهی طلبکار دوست دارد در برابر دریافت زودتر از سررسید از بخشی از بدهی صرف نظر کند. این موضوع از زمان امامان (ع) محل بحث بوده و در روایت‌های پرسش شده است؛ به طور نمونه به دو مورد اشاره می‌شود. محمد بن مسلم در روایت صحیحی از امام باقر (ع) نقل می‌کند: «از امام باقر (ع) درباره شخصی پرسش شد که دین مدت‌داری بر عهده دارد. طلبکار نزد وی می‌آید و می‌گوید: فلان مقدار بدهی‌ات را نقد بپرداز تا از بقیه‌اش

صرف نظر کنم. یا می‌گویند مقداری را نقد بپرداز تا نسبت به باقی آن مهلت را اضافه کنم. امام (ع) فرمود: مادامی که به اصل بدهی (سرمایه) چیزی اضافه نکند، اشکالی ندارد. خداوند می‌فرماید: برای شما است سرمایه‌هایتان، نه ستم کنید و نه بر شما ستم شود<sup>۱</sup>. شبیه همین حدیث را حلبی به سند صحیح از امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند.<sup>۲</sup> «از ایشان پرسش شد: مردی از کسی طلب دارد و پیش از فرا رسیدن موعد به وی می‌گوید: نیمی از بدهی را زودتر بده تا نصف دیگر را واگذارم. آیا این عمل برای هر یک از آن دو جایز است؟ آن حضرت فرمود: بلی»<sup>۳</sup>. همین مضمون در روایت‌های دیگری نیز نقل شده است. فقهای شیعه به استناد روایت‌های پیش گفته با اصل کاهش مبلغ بدهی در بازپرداخت زودتر از سررسید موافق هستند و در تصویر فقهی آن راهکارهایی پیشنهاد می‌دهند برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. صلح، به این بیان که طلبکار و بدهکار بر کاهش بخشی از بدهی در برابر تعجیل در پرداخت مصالحه می‌کنند؛

۲. ابراء، به این بیان که طلبکار در برابر دریافت زودتر از سررسید، بخشی از بدهی را ابراء (صرف نظر) می‌کند؛

۳. هبه، به این بیان که طلبکار در برابر دریافت زودتر از سررسید، بخشی از بدهی را هبه می‌کند؛

۴. خرید دین، به این بیان که بدهکار بدهی مدت‌دار خود را در برابر مبلغی کمتر از بدهی خود خرید می‌کند.

۵. از آنجا که در روایت‌ها روی رابطه خاصی تأکید نشده و اصل عمل مجاز شمرده شده است، طرفین می‌توانند براساس هر یک از راهکارهای پیش گفته رفتار کنند.

۱. بروجردی، ۱۸، (۱۴۱۰)، ۳۳۷.

۲. همان

۳. همان منبع



بررسی فقهی جریمه تأخیر (وجه التزام): گاهی دارنده کارت اعتباری به دلایل مختلف از پرداخت بدهی و تسویه حساب با بانک خودداری می‌کند، در این موارد بانک‌های ربوی متناسب با تأخیر مشتری، بهره دیرکرد می‌گیرند. از منظر فقه اسلامی شکی نیست که هر نوع افزایش مبلغ بدهی در برابر تمدید مدت، ربا و حرام است و این نوع ربا از مصداق‌های مسلم ربای جاهلی بود که قرآن در صدد تحریم آن برآمد. امام خمینی (ره) در این باره می‌نویسد:

« در عدم جواز، اعطای مدت برای ثمن حال - بلکه هر بدهی - در برابر زیاد کردن آن، هیچ تردیدی نیست و علت آن افزون بر صدق عرفی ربا، روایت‌هایی است که در شأن نزول آیه «احل الله البيع و حرم الربا» رسیده و طبق آن روایت‌ها، آیه درباره زیادی مال در مقابل تأخیر در دین حال نازل شده است»<sup>۱</sup>. بنابراین، نمی‌توان در بانکداری بدون ربا از روش بهره دیرکرد استفاده کرد. بحثی که اینجا وجود دارد این است که آیا طلبکار می‌تواند برای الزام بدهکار به پرداخت به موقع بدهی شرط جریمه تأخیر بگذارد؟ به بیان دیگر، همان‌طور که برای التزام وی به پرداخت در سررسید می‌تواند شرط رهن، ضمانت و کفالت کند و با وی قرار بگذارد که اگر به موقع پرداخت نکند از راه فروش رهن، الزام ضامن یا کفیل، طلب خود را وصول خواهد کرد، آیا می‌تواند شرط جریمه بگذارد و او را تهدید کند به این که اگر در سررسید مقرر به پرداخت اقدام نکند، فلان مبلغ جریمه خواهد گرفت؟ گروهی از فقها از جمله امام خمینی (ره)، گرفتن هر نوع زیاده هر چند به عنوان جریمه دیرکرد را از مصداق‌های ربا می‌دانند.<sup>۲</sup> در برخی دیگر تفصیل داده‌اند. آیت الله گلپایگانی (ره) در پاسخ به پرسشی درباره جریمه‌های بانکی می‌نویسد: «اگر مدیون به صورت شرعی در ضمن عقد خارج لازم، ملتزم شده باشد که اگر از موعد مقرر تأخیر انداخت مبلغ معینی مجاناً بدهد، اشکالی ندارد»<sup>۳</sup>.

۱. موسوی خمینی. (۱۴۱۵). ۵، ۵۲۷-۵۲۹ با تلخیص.

۲. موسوی خمینی. (۱۳۷۶). ۱۲۸، ۲.

۳. گلپایگانی، ۲۰: ۱۴۰۵، ۹۱.

## نتیجه گیری

در جمع بندی نهایی و کلی فهمیدیم یکی از دستاورد های پر ارزش انقلاب اسلامی تصویب نظام بانکداری اسلامی و به عبارت دیگر بانکداری بدون ربا می باشد و فهمیدیم که آنچه در بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا مد نظر است کارآمد بانکداری بدون ربا در ایجاد عدالت اجتماعی می باشد. بانکداری اسلامی باید اولین هدف نظام اقتصاد اسلام را که عدالت اجتماعی است تامین کند در این راستا صنعت بانکداری متناسب با نیاز های جامعه ابزارهای جدیدی ارائه می کند. در نهایت باید گفت که فروش اقساطی در نظام بانکی کشورمان را می توان مشابه مرابحه در بانک اسلامی کشور اردن دانست با این تفاوت که مرابحه در بانک اسلامی اردن طی دو مرحله انجام میگیرد که جای این مطلب در مقاله دیگری است. یکی از اساسی ترین ویژگی های بانک های اسلامی پایبندی به حذف ربا و اجرای سایر موازین شرعی در فعالیت های بانکی است. قوانین و مقررات بانک و همچنین سیر فعالیت بانکهای ایران تاییدی بر این ادعاست. در نهایت باید گفت با توجه به ضرورت حرکت به سمت بانکداری الکترونیکی و استفاده از کارت های اعتباری به نظر می رسد مدل مرابحه از حیث مشروعیت ، همسویی با اقتصاد واقعی ، پوشش حداکثری و جامعیت عواید ارکان کارت و انعطاف پذیری در کاربرد به لحاظ خرید کالا و بهره برداری از خدمات امکان اجرایی شدن آن در بانکداری اسلامی از جمله بانکداری بدون ربا برای ایران وجود دارد، بر این اساس پیشنهاد می شود برای پاسخگویی به توسعه ی کارت اعتباری در بلند مدت، کارت اعتباری بر اساس مدل مرابحه را می توان به عنوان مدل جامعه عملیاتی کارت اعتباری در بانکداری بدون ربا پذیرفت و ملزومات لازم فرهنگی ، حقوقی و اقتصادی را فراهم کرد.



## منابع و مآخذ

۱. تحریر الوسیله، امام خمینی، سیدروح...، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ق.
۲. اصول بانکداری، محمود بهمنی و مهدی غفاری، تهران: موسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۴.
۳. ابن ادريس حلی، محمدبن منصوربن احمد؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ ج ۲، قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. ارزیابی قراردادها و شیوه های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا فصلنامه اقتصاد اسلامی، سیدعباس موسویان، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۴.
۵. بانکداری اسلامی، سیدعباس موسویان، چاپ پنجم، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، زمستان ۱۳۸۶.
۶. بانکداری الکترونیکی، حسین عباسی نژاد و مینامهرنوش، انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
۷. بانکداری داخلی (۱) (تجهیز منابع پولی)، محمد بهمند و محمود بهمنی، موسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۴.
۸. بانکداری در تئوری و عمل، سیدجلیل حسینی اجداد نیایکی، ترمه، ۱۳۸۶.
۹. بررسی فقهی و اقتصادی سودتضمین شده (علی الحساب) در سیستم بانکداری بدون ربا، مجله اندیشه حوزه، محمدحسین حسین زاده بحرینی، شماره ۴، بهار ۱۳۷۵.
۱۰. بررسی مشکلات بانکداری بدون ربا، فصلنامه حوزه و دانشگاه، گروه اقتصاد (مؤلف)، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۴.
۱۱. پول و ارز و بانکداری، یوسف فرجی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، آبان ۱۳۸۶.



۱۲. حسینی عاملی، سیدمحمدجواد؛ مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه؛ ج ۵ ، بیروت. اراحياء التراث العربی
۱۳. حلی، جعفر بن حسن؛ شرایع الاسلام؛ ج ۲، تهران: انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ ق
۱۴. حلی، حسن بن یوسف؛ تذکره الفقهاء؛ ج ۱۱، قم: مؤسسه آل البيت
۱۵. عقدحواله، دکتر جعفری لنگرودی، محمدجعفر، انتشارات دانشگاه ملی، تهران، ۱۳۵۳.
۱۶. ضمانت نامه های بانکی، دکتر کاشانی، سید محمود، موسسه عالی بانکداری ایران بانک مرکزی ج.ا.ا.، تهران، ۱۳۷۷.
۱۷. نظریور، محمدنقی؛ ماهیت فقهی و کارکرد بانکی عقد استصناع و معرفی اوراق استصناع، ابزاری برای سیاست مالی و پولی؛ رساله دکترای اقتصاد
۱۸. مجتهد، احمد. پول و بانکداری. تهران. پژوهشکده پولی و بانکی، انتشارات تهران
۱۹. موسویان، سید عباس. بانکداری اسلامی، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی
۲۰. موسویان سید عباس، تبیین فقهی بانکداری بدون ربا، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، شماره ۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی